



انجمن نوردکاران فولادی ایران (انفا)  
Iranian Steel Rolling Association

## آسیب شناسی استراتژی توسعه صنعتی در ایران



مطالعات نشان میدهد تدوین استراتژی توسعه صنعتی به عنوان نقشه راه توسعه صنعتی کشور، حداقل با سه دلیل زیر از نظر اجرایی توجیه میشود:

- ۱- لزوم هماهنگی میان سیاستها (اثر بخش ساختن سیاستها)
- ۲- لزوم هماهنگی میان اقدامات بخشها و نهادها (هماهنگسازی اولویتهای بخشی)
- ۳- لزوم اولویت بندی برای استفاده بهینه از منابع محدود عمومی

در صورتی کارآمد و نتیجه بخش خواهند بود که سه مسئله اجرایی بالا صرفاً در چارچوب یک نقشه راه صورت گرفته و تزامماً، تداخلها، موازیکاریها و حیف و میل منابع از آن حذف شود. این در حالی است که مقایسه عملکرد دولت و دستگاههای اجرایی با ملاحظات پیش گفته حاکی از شکاف عمیق انتظارات و نتایج میباشد. به تعبیر دیگر:

- شاهد ناکارایی یا فقدان اثربخشی سیاستها هستیم .
- شاهد عدم هماهنگی و موازیکاری دستگاههای اجرایی هستیم
- شاهد اتلاف گسترده منابع تحت عنوان حمایت از تولید هستیم..

به نظر میرسد، پراکندگی و درهم ریختگی موجود در ساختار اداری کشور که به ترتیب در هر سه سطح هماهنگی سیاستها، تفکیک وظایف سازمانی دستگاهها و هماهنگی اقدامات آنها و دست آخر پرهیز از اتلاف منابع ملاحظه میشود، مسئله ای ساختاری است که به سادگی قابل حل نبوده و

دستورکارهایی مانند "تدوین استراتژی توسعه صنعتی کشور" که به سطحی فراتر از سطح سوم، یعنی تعیین اولویتها و محدود کردن مداخلات به حوزه های دارای اولویت میپردازد، بدون بررسی ضعفها، شکافها و روابط سازمانی و نهادی و بودجه ای پشت سر الگوهای موجود هزینه کردن منابع حمایتی، راه به جایی نخواهند برد.

در گزارش حاضر، فاز صفر اولویت بندی، دستیابی به انسجام سیاستی است و برای دستیابی به این انسجام سیاستی توصیه های زیر باید مورد توجه قرار گیرد: سازمان برنامه و بودجه، در جهت برنامه و هدفمند شدن تخصیص منابع به برنامه های حمایتی دستگاههای مختلف اقدام کند: هر ساله در بودجه های سنواتی، منابع حمایتی زیادی تحت عناوین مشابه به دستگاهها اختصاص داده می شود تا صرف سیاستگذاری صنعتی شود، سازمان برنامه و بودجه می تواند با شفاف سازی و پالایش این هزینه ها از اتلاف منابع جلوگیری کند.

وزارت صنعت، معدن و تجارت هماهنگی میان سازمانهای توسعه ای و نهادهای پشتیبان مالی خود را افزایش دهد: وزارت صمت، به جز واحدهای ستادی، انواعی از سازمانهای تابعه را دارد که از جمله آنها سازمان گسترش و نوسازی صنایع (ایدرو)، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی (ایمیدرو)، سازمان صنایع کوچک و شهرکهای صنعتی است. هر کدام از این سازمانها مسئول بخشی از سیاستگذاری صنعتی هستند. در دوره اخیر، چارت جدید وزارت صمت مصوب شد که طی آن وظایف جدیدی برای واحدهای ستادی در نظر گرفته شده و تلاش شده تا مأموریت محوری و هماهنگی میان این واحدهای ستادی افزایش یابد، این موضوع اگرچه انسجام سیاستی در این وزارتخانه را افزایش میدهد اما کافی نیست. ایجاد انسجام سیاستی در این وزارتخانه زمانی محقق میشود که انسجام الزم میان واحدهای ستادی و سازمان های تابعه در راستای سیاستگذاری صنعتی هماهنگ ایجاد شود. ایجاد هماهنگی از طریق ایجاد شورای راهبری سیاستهای صنعتی در سطح وزارتخانه یا قرار دادن نماینده ویژه وزیر در امور سیاستهای صنعتی از جمله پیشنهادها این حوزه است. هماهنگی سیاستگذاری بین وزارت صمت و وزارت اقتصاد ارتقا یابد: در حوزه سیاستگذاری تجاری، سیاستگذاری تجاری در وزارت صمت و انجام امور اجرایی در وزارت اقتصاد (اداره گمرک) انجام میشود،

در این روند، رویکرد اداره گمرک در وصول عوارض گمرکی بیشتر رویکرد درآمدی است درحالیکه رویکرد وزارت صمت بیشتر سیاستی است، افزایش هماهنگی از طریق افزایش نظارت وزارت صمت بر فرایند اخذ عوارض یا انتقال گمرک به وزارت صمت، ازجمله موضوعاتی است که میتواند مبنای سیاستگذاری یا اقدامات تقنینی برای ایجاد هماهنگی بیشتر قرار گیرد. افزایش انسجام سیاستهای اعتباری با احیای بانکداری توسعه ای: پنج بانک تخصصی - توسعه ای که در سالهای گذشته در کنار بانکهای تجاری تشکیل شده اند، میتوانند نقش مهمی در توسعه صنعتی ایفا کنند. از برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) به این سو، تفاوت بانکهای تجاری و توسعه ای از میان رفته است، بازنگری در نقش این بانکها (ازجمله بانک صنعتی و معدنی) و احیای بانکداری توسعه ای یکی از الزامات بهبود تأمین مالی صنعتی و ارتقای خط مشی های اعتباری است.

-----  
منبع : گزارش شماره ۱۸۵۶۲ مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، آذر ۱۴۰۱

تلخیص دبیرخانه انجمن نوردکاران فولادی ایران